

## باز پژوهشی فقهی و حقوقی پیرامون مسئولیت های مدنی در شبکه های اجتماعی مجازی

روح الله آهانگران<sup>۱</sup>

### چکیده

پیدایش فضای مجازی، به ویژه شبکه های اجتماعی، سبب بروز دگرگونی های جدیدی در جوامع مدنی و بین المللی شده است. شبکه های اجتماعی در همین مدت کوتاه تاثیرات چشم گیری در جامعه داشته اند. این مسئله، اهمیت بررسی دقیق مسئولیت های مدنی شبکه های اجتماعی را در فقه و حقوق نشان می دهد. با ورود فضای مجازی به خصوص شبکه های اجتماعی، دگرگونی های بدیعی را در جوامع مدنی و بین الملل شاهد بوده ایم. با توجه به تجربه ای که در این مدت اندک از حضور شبکه های اجتماعی مجازی در میان آحاد جامعه به دست آمده ضرورت دارد که به بررسی در زمینه مسئولیت های مدنی و تدقیق این اقتضای نو ظهور در فقه و حقوق بپردازیم. یکی از اصول روشن فقهی و حقوقی، لزوم جبران خساراتی است که به واسطه اعمال اشخاص حقیقی و حقوقی به دیگران وارد می می شود، و شبکه های اجتماعی مجازی نیز از این قاعده مستثناء نیستند.

دلیل اهمیت مسئولیت مدنی در شبکه های اجتماعی مجازی، تفاوت عرصه مجازی با دنیای واقعی است. همچنین پس از پرداختن به مفهوم شناسی، و ارکان مسئولیت مدنی و شبکه های اجتماعی مجازی، سه رکن اتلاف، تسبیب و استیفا باید از نظر فقهی و حقوقی با شبکه های اجتماعی تطبیق یابند. نوشتار مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با جمع آوری فیش و منابع کتابخانه ای و فیش برداری به نگارش در آمده است.

**کلید واژه ها:** مسئولیت های مدنی، شبکه های اجتماعی، فضای مجازی، جبران خسارت، اتلاف.

## مقدمه

الزام بر جبران خسارات وارد شده بر شخصی دیگر را مسئولیت مدنی می نامند که بدون مجوز قانونی بر حقوق دیگران تعدی نموده و به حقوق قانونی آنان تجاوز نماید. الزام به جبران خسارات وارده بر شخصی دیگر را مسئولیت مدنی می نامند. اگرچه ماهیت شبکه های اجتماعی مجازی با دنیای واقعی متفاوت بوده و از لحاظ خصوصیات و ویژگی های اقتضائی و هویت اجتماعی قابل درنگ است، اما موجب نمی گردد که از بررسی در موضوع مسئولیت های مدنی از دیدگاه فقه و حقوق مسامحه نماییم.

با احداث شبکه های ارتباطی مجازی، گونه ای جدید از پیوندهای اجتماعی پدید آمده است که به تبع آن می توان مسئولیت های الزام آوری را نیز پدید آورد. رهاورد این شکل جدید اجتماعی در صور مختلفی همچون معاشرت، تجارت، تعلیم و آموزش و... نمایان می گردد. الزام اشخاص در رعایت مسئولیت مدنی و مسئول جبران ناشی از زیان احتمالی اعم از رعایت مسئولیت مدنی و جبران خسارات ناشی از زیان احتمالی شامل کاربران آن و، مصرف کننده کنندگان و ارائه دهندگان خدمات و همچنین تولید کنندگان و عرضه کنندگان محتوا که در این شبکه های ارتباطی محتوا بارگذاری کرده اند را شامل می شود. در این پژوهش در صدد تشریح مسئولیت مدنی در شبکه های اجتماعی مجازی از منظر حقوق موضوعه و فقه امامیه می باشیم. با امان نظر از حقوق موضوعه و فقه امامیه در صدد تشریح مسئولیت مدنی در شبکه های اجتماعی مجازی می باشیم.

## مفهوم شناسی

همانطور که از عنوان مقاله ملاحظه می شود پیداست، با دو اصطلاح مهم روبه رو هستیم: نخست مسئولیت مدنی و دیگری شبکه های اجتماعی مجازی. در این مقاله، نخست شمول مفهومی مسئولیت مدنی بررسی خواهد شد و سپس به مفهوم شبکه های اجتماعی مجازی مورد کاوش قرار خواهد گرفت.

## مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در مفهوم اصطلاحی عبارت است از: اگر فعل یا ترک فعل توسط فردی که منجر به عملی گردد که بر اثر آن به شخصی دیگر خسارتی وارد آید و برای شخص وارد کننده خسارت ایجاد تعهد نماید را مسئولیت مدنی می گویند. قانون مسئولیت مدنی را اینگونه تعریف می کند: «هر فردی با فقدان جواز قانونی به صورت عمد یا بر اثر بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه و صدمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، برای این

خسارات تحقق یافته توسط اعمال آن شخص، مسئولیت جبران بر عهده خود آن شخص خواهد بود.» (پیری و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۳)

اما اگر برای مسئولیتی که در قانون عاقبت اندیشی شده و از لحاظ قانونی (مدنی، کیفری و انتظامی) ضمانت اجرایی از لحاظ قانونی (مدنی، کیفری و انتظامی) پیش بینی شده باشد، و این شخص در مقابل افراد دیگر مسئول خواهد بود که به این برآیند نیز مسئولیت حقوقی می گویند. (لنگرودی، شماره ۵۱۲۰)

البته قابل ذکر است که دسته های مسئولیت حقوقی یا قانونی شامل مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری و مسئولیت اداری است؛ و اگرچه این سه شعبه نیز در بعضی از احکام و فروع تفاوت هایی دارند اما در واجد بودن تعهد و الزام داشتن در مواردی که قرارداد یا قانون مشخص کرده با یکدیگر اشتراک دارند.

مسئولیت مدنی به دو دسته تقسیم می شود. که دسته اول مسئولیت قراردادی است که به آن مسئولیت عهدی یا ضمان ناشی از عقد نیز گفته می شود. که مسئولیت قراردادی عبارت است از مسئولیتی که در نتیجه اجرا نکردن تعهد ناشی از عقد به وجود می آید. ریشه قراردادی دارد و متخلف از قرارداد مکلف است خسارت وارده به متعهد له را جبران کند، و دسته دوم مسئولیت خارج از قرارداد است که به آن مسئولیت قهری یا ضمان قهری نیز گفته می شود که امر و نهی قانونی را در خود جای می دهد، و به عبارتی مسئولیت قهری هنگامی پدید می آید که بر اثر نقض در تکلیف یا وظیفه ای بر شخصی دیگر خسارات وارد آید. (حسین نژاد، ص ۱۵). مع الوصف مشخص می گردد به هرگونه مسئولیت قانونی که در ذیل مشخصات ویژگی های مسئولیت قراردادی را نداشته باشد مسئولیت خارج از قرارداد می گویند. (لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۶۴۳). اکثر حقوقدانان معاصر با تفکیک منشأ ایجاد مسئولیت، مسئولیت مدنی را تنها به مواردی اطلاق می کنند که در آن بدون وجود قرارداد و توافق قبلی، شخص ملزم به جبران خسارت شود و یا مسئولیت مزبور در اثر عواملی خارج از قرارداد و عقد باشد. با توجه به مفاد مسئولیت مدنی، بهتر است این نوع مسئولیت را در مقابل مسئولیت قراردادی به کار ببریم، کما این که عنوان ضمان قهری در فقه اسلام و قانون مدنی در مقابل «ضمان عقدی» به کار رفته است و قهری دانستن آن نیز بدان علت است که در ایجاد چنین مسئولیتی توافق یا قرارداد قبلی وجود ندارد. منشأ مسئولیت مدنی ممکن است جرم یا شبه جرم باشد، مانند آن که شخصی با ارتکاب یک عمل مجرمانه (مثلاً تخریب مال دیگری)، به طور عمدی به شخص دیگری خسارت وارد آورد و یا این که در اثر بی احتیاطی موجب خسارت دیگری شود (مانند خسارت ناشی از تخلفات رانندگی). البته در مبحث مورد مسئولیت مدنی، جنبه جرم بودن عمل مدنظر نیست. بلکه مسئله اصلی در آن تعیین مسئول و عامل ورود ضرر و زیان و در نتیجه الزام او به جبران خسارتی است که به زیان دیده وارد

کرده است. و فرد جدای از جرم ارتكابی، مورد تقاضای مدعی خصوصی (فرد خسارت دیده) قرار می‌گیرد.

قوانین و مقررات موضوعه در باب مسئولیت های خارج از قرارداد، حاکی از اعمال اراده عمومی در یک زمان یا مکان خاص است و افراد در زمان آینده و مکان دیگر، ملزم به پذیرش آن نیستند؛ بنابراین هرکس نسبت به دیگری تکلیف و مسئولیتی دارد که باید آن را ادا کند و انسان ها نیز همه با هم برابرند و هر جا سخن از مسئولیت و حق و تکلیف به میان می‌آید، شامل همه انسان ها می‌شود و تا آنجایی که مربوط به مسئولیت مدنی می‌شود مسئولیت بر مبنای پرداخت خسارت عام بوده و قواعد مشترکی بر آن حاکم است و تقریباً نیز غالب موارد مسئولیت مدنی را در بر می‌گیرد. و اما سایر مسئولیت‌های مرتبط با استرداد عین، پرداخت بابت منافع مستوفات و غیر مستوفات، پرداخت بابت استیفا از خدمات یا اموال دیگران، اعم از این که مشروع باشد یا غیر مشروع، ذیل تحت عنوان مسئولیت خاص مدنی قرار می‌گیرد، و علت آن هم این است که چون هر یک از این دسته از مسئولیت ها هر کدام دارای فلسفه خاص خود هستند و ارکان آن ها نیز با هم متفاوت است. در مسئولیت عام مدنی که هدف آن جبران ضرر و زیان وارده است شامل دو رکن اصلی، ضرر و فعل ناروای زیان بار است و رابطه سببیت بین این دو وجود دارد. با احراز این ارکان که گاهی همراه با تقصیر و گاهی بدون تقصیر ثابت می‌شوند مسئولیت زیان زنده به پرداخت خسارت محرز می‌می‌گردد. در برخی مواقع رابطه سببیت آنقدر محکم است که استمداد از تقصیر برای احراز آن ضرورت ندارد و گاهی نیز رابطه سببیت کاملاً روشن نیست که در این صورت با اثبات تقصیر شخصی یا نوعی این رابطه محرز می‌شود. گاهی قانونگذار با سیاست های حمایتی و اصلاحی، افراد ثالثی را به‌عنوان مسئول پرداخت خسارت محسوب می‌کند. ولی برای اثبات مسئولیت مدنی وی، باز هم احراز همان ارکان مسئولیت مدنی در مورد عامل زیان ضروری است. منشا تحلیلی این گونه مسئولیت ها اعم از این که عقل سلیم و عرف یا ثمر بخشی یا فایده گرایی باشد، ما را درباره لزوم جبران خسارت وارده به نتیجه می‌رساند. با توجه به مقدمه کوتاهی که در این باره گفته شد می‌توان گفت که مسئولیت ها به دو دسته بزرگ اخلاقی و قانونی تقسیم می‌شوند و مسئولیت قانونی نیز به دو زیرمجموعه مسئولیت های کیفری و حقوقی تقسیم بندی می‌گردد و مسئولیت های حقوقی همچنین به دو دسته قراردادی و غیر قراردادی (مدنی) تقسیم می‌شوند. دسته آخر را الزامات خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی و ضمان قهری هم می‌نامند... بحث ما نیز ناظر به مسئولیت مدنی به معنای اخص کلمه یعنی مسئولیت خارج از قرارداد می‌باشد و منظور از مسئولیت مدنی در شبکه های اجتماعی مجازی همین نوع مسئولیت است. برای مسئولیت مدنی، منابع قانونی نیز ذکر گردیده که قانون مسئولیت مدنی مصوبه اردیبهشت ۱۳۳۹ و همچنین قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷ از جمله منابع آن محسوب می‌گردد.

ماده ۳۲۸ قانون مدنی ناظر بر تلف مستقیم مال است ولی ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در مورد تلف غیرمستقیم مال است. بنابراین ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی با ماده ۳۲۸ قانون مدنی موضوعاً تفاوت دارند، در نتیجه بحث تعارض و نسخ مطرح نخواهد شد.

همچنین به موجب ماده ۱ قانون بیمه اجباری برای دارنده فرض مسئولیت شده است و این ماده به عنوان یکی از منابع مسئولیت مدنی شناخته می‌شود. بر اساس این ماده، به هیچ صورتی دارنده وسیله نقلیه از مسئولیت معاف نمی‌شود مگر اینکه فورس ماژور را ثابت نماید. البته فعل شخص ثالث و فعل خود زیان دیده نیز در حکم قوه قاهره است چون به شخص دارنده منتسب نخواهد شد. (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴/۱۱۳)

### مفهوم ضرر

برای این که مسئولیتی ایجاد شود باید ضرری حادث شود، تا وقتی ضرری وجود نداشته باشد بحث جبران خسارت مطرح نمی‌شود. برای مفهوم شناسی کلمه ضرر می‌بایست به معنای عرفی آن رجوع کرد. که مقصود از آن در عرف به هرگونه صدمه مادی یا معنوی که به شخص وارد شده اطلاق می‌شود. (صفایی، ۱۳۹۲: ۹۷). البته برخی دیگر برای ضرر قائل به تعریف نشده اند چرا که معتقدند این واژه در اصطلاح حقوقی با همان معانی لغوی و عرفی استعمال می‌شود. در میان دانشمندان علم لغت و ادبیات عرب برای ضرر معانی مختلفی ذکر کرده اند. صاحب قاموس، ضرر را ضد نفع معنی کرده و به معنی سوء حال تعبیر نموده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۴/۱۷۶). راغب اصفهانی نیز ضرر را سوء حال تفسیر کرده و این خصوصیت را شامل سوء حال از ابدان و مال و آبرو قلمداد کرده و به هر کدام از اینان نقص وارد شود و خسارت بر آن مترتب گردد در مفهوم ضرر محسوب می‌نماید و خسارت محسوب می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۴). همچنین ابن اثیر در نهاییه (ابن اثیر، بی تا: ۸۱/۳) خود و طریحی در مجمع البحرین (طریحی، ۱۴۱۶: ۳/۳۷۲) هرگونه نقص در حقوق را ضرر معرفی کرده و فیومی در مصباح المنیر نیز ضرر را به معنای آنچه یک شخص نسبت به آن کراهت دارد یا نقص در اعیان می‌می‌داند، تعریف کرده است. (فیومی، بی تا: ۳۶۰/۲). یا فراهیدی نیز نقصان در هر چیزی را ضرر معنا کرده، حال آن چه نقصان در مسائل مادی باشد یا آن که به شخصیت فرد لطمه و آسیب و نقصی وارد گردد. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷/۷). با بررسی دقیق و جمع نظرات در خصوص مفهوم ضرر، می‌توان نتیجه گرفت زمانی این واژه ضرر تحقق پیدا می‌کند که نقص بر مال دیگری یا صدمه به جان کسی وارد شده یا وهن در عرض دیگری اتفاق افتاده باشد؛ به شرطی که اقتضای نزدیک به آن محقق گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ذیل واژه ضرر).

با کاوش در متون قانونی برای لفظ و معناشناسی ضرر، «ضرر» از لحاظ لفظی و معناشناختی در متون قانونی، گاهی به معنی آسیب و تباهی مال یا حق تعبیر شده، مانند ماده ۲۲۱ قانون مدنی و

گاهی نیز همان گونه که در ماده های ۲۲۶ و ۲۲۷ قانون مدنی به کار رفته است - به معنای مالی که زیان وارده را جبران خواهد کرد- به کار رفته است. مانند مادتهای ۲۲۶ و ۲۲۷ قانون مدنی. در میان فقها نیز درباره مفهوم ضرر ابراز شده است برخی از فقها نیز معتقدند که «ضرر» در برابر «تفیع» قرار دارد و هرگاه به مال یا جان و یا آبروی شخص، آسیبی وارد شود آن فرآیند را می توان «ضرر» تلقی کرد. که البته در خصوص تطبیق این واژه با کلمه آبرو کمتر به کار رفته است. (روحانی، ۱۴۱۳: ۳۹۴/۵-۳۹۵).

«ضرر» در مسائل گوناگون فقهی همانند مانند خوردنی ها و آشامیدنی ها و در معاملات و تجارت نیز مطرح شده است؛ که بنابر فرموده امام صادق (علیه السلام) که دلیل حرام نمودن برخی از این موارد به جهت آن است که خدای متعال از آن چه که برای بندگانش ضرر و آسیب را به همراه داشته، آگاه بوده است لذا آنان را از عمل به آن کار بازداشته و برایشان حرام نموده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۲/۶).

قابل توجه است، همانگونه که ضرر به عنوان علت و سبب تشریحی حکم قلمداد می گردد به همان صورت نیز علت رفع حکم و حتی عدم تشریح محسوب خواهد شد. باید توجه داشت که «ضرر» در عین حال که سبب تشریح حکم می شود، می تواند علت رفع حکم و حتی عدم تشریح نیز باشد، به عنوان مثال وضو، غسل و حتی روزه و امساک چنانچه برای مکلفی ضرر داشته باشد، به جا آوردن آن ها بر او واجب نخواهد بود.

در علم اخلاق نیز برای رهایی از گرداب «ضرر»، بنابر دستور قرآن، همگان را به تقوا دعوت نمایند. تقوا که از ماده «وقایه» می آید به معنای حفظ و نگهداری از خود از «ضرر» تعبیر می گردد. در واقع این معنا زمانی صدق می کند که خوف از ضرر و خطری در میان باشد. اگرچه در علوم علم اخلاقی، ابوابی مواردی همانند مانند غیبت (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۵۴/۱-۳۵۵) و دروغ (همان، ۲۹/۲) برای همگان «ضرر» محسوب می شود، اما در موارد دفع ضرر نیز استثناهایی وجود دارد. مع الوصف اگر با ارتکاب حرامی بتوان از خود یا دیگری دفع ضرر کرد، ارتکاب آن حرام جایز خواهد بود مانند وقتی که حفظ جان متوقف وابسته به خوردن غذای دیگری با عدم امکان اجازه از او باشد که مصداق اضطرار است. همچنین هنگامی که فرد مجبور است برای حفظ جان با اهل باطل در اعتقاد یا رفتار اظهار همسویی کند، تقیه نامیده می شود و یا زمانی که حفظ جان متوقف بر قبول ولایت از سوی حاکم ستمگر باشد که مصداق اکراه است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۱۴۴/۵).

آن چه که درباره معنی خسارت قابل ذکر است که گاهی به صورت «خسارت» به معنای از دست دادن مال محسوب شده است، حال چه آن مال، عین خارجی، یا منفعت و یا حق مالی باشد، مانند حق تحجیر باشد و یا گاهی به صورت ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی باشد که مقتضی آن

حاصل شده است، مانند زمانی که فردی را از کارش باز داریم و این بازداشت غیر قانونی موجب جلوگیری او از مزد گردیده که از آن به خسارت عدم النفع نیز تعبیر می‌گردد. «ضرر» وقتی به معنای «از دست دادن منفعت» است که مقتضی آن کامل گردد. و البته میان فقها در انطباق و تصدیق این برآیند با ضرر اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها، ضرر مالی را هنگامی قابل انطباق می‌دانند که نقصان در اموال شخصی پدید آید، حال چه این ضرر مالی عین مال باشد، چه منفعت حاصل از مال. به طور مثال وقتی یک فرد در استخدام شخص یا گروهی است و بدون جهت او را از کار باز داشته و حبس نمایند و یا منزل فردی را بدون رضایت مالک غصب کنند، به وی ضرر رسانیده اند اما وقتی تاجری را از فروش کالای خودش منع کرده تا قیمت کالا در بازار پایین بیاید بدین کار منع منفعت می‌گویند. و اگرچه به برای آن فرد تاجر سودی حاصل نشده اما ضرری هم به او وارد نشده است. (نراقی، ۱۴۱۷: ۵۰). همچنین اگر عدم النفع کامل و تمام باشد و در جایگاه وصول باشد به آن ضرر می‌گویند؛ اما در این که جزء شمولیت قاعده لاضرر هست یا خیر، تردید وجود دارد. بعضی دیگر از فقها نیز علاوه بر اینکه عدم النفع با وجود مقتضی را ضرر محسوب می‌کنند بلکه آن را از مباحث مصادیق حدیث لاضرر نیز می‌دانند. (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۷/۱۴؛ ر.ک: بهبهانی، ۱۴۱۷: ۶۱۴).

### مفهوم فعل زیان بار

پس از پرداختن به مفهوم «ضرر» که یکی از ارکان اصلی مسئولیت مدنی است، نوبت به بررسی رکن دیگر آن یعنی «فعل زیان بار» می‌رسد. پس از شناسایی مفهوم ضرر که یکی از ارکان شکل گیری مسئولیت مدنی بوده مورد دیگر آن فعل زیان بار می‌باشد که جهت تحقق مسئولیت مدنی کاربرد دارد. این نوع فعل که سبب باعث تحقق ایجاد تعهد برای جبران خسارت می‌می‌شود، امکان دارد در دو وجه مثبت و منفی رخ دهد یعنی همانگونه که انجام یک عمل ممکن است زیان بار باشد، انجام ندادن عملی دیگر ممکن است سبب زیان دیگری و وارد آمدن خسارت به او شود. در واقع هرگاه مبنا در مسئولیت، «تقصیر» بوده باشد، می‌بایست فعل نیز مقصرانه باشد. (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۲۰) اما اگر مبنای مسئولیت در خصوص تضمین حقوق یا تئوری خطر و یا تعهد ایمن باشد، دیگر نیازی به تقصیر نیست اما برای تشخیص انگاری و آن که شخص مسئول شناخته شود، باید فعلی را مرتکب شده باشد. البته قابل ذکر است که افعال را به دو بخش فعل ایجابی و سلبی تقسیم می‌کنند. و طبق ماده ۳۲۸ قانون مدنی، این فعل ایجابی ممکن است مباشرتی و مستقیم و در حالت عمد و یا غیر عمد شکل بگیرد و یا طبق ماده ۳۳۱ قانون مدنی، این فعل ایجابی به صورت غیر مباشرتی و به روش تسبیبی منجر به وارد آمدن خسارت گردد. که در حقوق ایران طبق ماده ۵۲۲ و ۵۲۴ به فعل سلبی مباشرتی اشاره دارد. در قانون مدنی ایران، تقصیر را شرط ایجاد مسئولیت ندانسته اما قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مبنای تقصیر را پذیرفته و

حقوقدانان از آن پیروی کرده اند. البته در برخی از موارد مانند «اتلاف»، حتی بدون وجود مقصر و یا تقصیر نیز ضمان متوجه عامل زیان بوده و قانونگذار مسئولیت بدون تقصیر را می پذیرد. همچنین به نظر می می رسد که فعل زیان بار اعم از اینکه چه مشروع باشد و چه غیر مشروع، ضمان آور است؛ چراکه چون مشروعیت فعل انجام دهنده نباید موجب تضییع حق زیان دیده و عدم جبران خسارت شود. ادله لزوم جبران خسارت وارده به دیگران عام و مطلق بوده است و مقید به عدم مشروعیت فعل محدود نمی شود. پس در نتیجه قید یا شرط «غیر مشروع» بودن باید به ضرر وارده نسبت داده شود، زیرا آنچه که اهمیت دارد جبران ضرر ناروا و احقاق حقوق خسارت دیده است. (باریکلو، ۱۳۹۲: ۹۱).

### رابطه سببیت

برای محرز شدن یک فرد برای تحقق مسئولیت برای آنکه فردی «مسئول» تشخیص داده شود، انجام دادن رفتاری مجرمانه یا فعل زیان بار کافی نیست، بلکه باید بین نتیجه موجود و رفتار مرتکب شده از نظر حقوقی، رابطه مورد قبولی وجود داشته باشد. به طور مثال، اگر یک عامل به صورت انفرادی دلیل بر تحقق یک جنایت گردد، تشخیص چنین این رابطه ای آسان بوده است و می توان تشخیص داد که میان فعل مرتکب جنایت و نتیجه آن رابطه سببیت وجود دارد اما گاهی یک فعل سبب ایجاد خسارت و جنایت می شود و بسته به عوامل متعددی است و این عوامل که گاهی در عرض یکدیگر هستند را شخص زیان دیده باید به اثبات برساند که ضرر واصله به او ناشی از عمل فرد آسیب رساننده بوده و علت و سبب دیگری دخالت نداشته، هرچند با توجه به روابط گسترده افراد و تعاملات به هم پیوسته آن ها، این اثبات رساندن آسان نیست. اهمیت رابطه سببیت زمانی حائز اهمیت قرار می گیرد که شرط ایجاد مسئولیت دائرمدار بر تقصیر نباشد و به همین دلیل اثبات وجود آن نیز دشوارتر می شود، چرا که در ایجاد مسئولیت مبتنی بر تقصیر، منحصر به حوادث توجه می شود که به جهت بی مبالاتی و غفلت فردی رخ می دهد و زیان به بار می آورد. ولی هنگامی که این عنصر نیز در محدود کردن حوادث موثر در ایجاد ضرر به کار نیاید دادرس به ناچار باید از میان همه شرایط و اسبابی که باعث ایجاد ضرر شده است علت اصلی را پیدا کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۷۹). اگر یک عامل خسارتی وارد کند تشخیص رابطه سببیت کار دشواری نخواهد بود، مشکل زمانی پدید می آید که میان کارکرد زیان زده و ضرر در جایی که یک عامل مرتکب چنین خساراتی گردد، برای پیدایی رابطه سببیت کار غامضی نبوده اما مشکل زمانی پدید می آید که عوامل متعددی سبب ایجاد خسارت شوند، و در آن صورت تشخیص مسئولیت برای هر یک از آن عوامل سخت می گردد. یکی از تئوری های مورد استفاده برای این مسئله، «نظریه سبب نزدیک» یا «آخرین سبب» است که در آن تنها آخرین سبب به عنوان مسئول حادثه قلمداد می شود. همچنین نظریه دیگری که به آن استناد شده است، نظریه «سبب



مقدم» یا همان «سبب اول» است که مسئول جبران خسارت برای آن سببی خواهد بود که زودتر از همه در ورود به ضرر تاثیر داشته است. و همچنین برخی دیگر از متخصصین حقوقی، نظریه «سبب متعارف و اصلی» را مطرح کرده اند. که طبق این نظریه، باید بین اسباب و شرایط قائل به تفکیک شد و باید علتی را مسئول حادثه دانست که طبق جریان عادی و متعارف امور به ضرر منتهی شده است. (یزدانیان، ۱۳۷۹: ۲۶۰). بنابراین در مورد اینکه هنگام تعدد اسباب کدام یک از آن اسباب باید مسئول قلمداد شود میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی با استناد به ماده ۳۳۲ قانون مدنی، نظریه سبب متعارف، مناسب یا سبب اصلی را پذیرفته اند. (صفایی، ۱۳۹۲: ۱۹۸). برخی دیگر با توجه به ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹، و همچنین ماده ۳۲۲ قانون مدنی و مادتهای ماده ۳۶۳ و ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی به نظریه سبب نزدیک و بلاواسطه استناد نموده اند. (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). با توجه به این دیدگاه ها می توان آنچه را از لحاظ قانونی کاربردی دانست، که موثر موجب بودن ضرر می باشد و این وظیفه تشخیص سبب را عرف به خوبی انجام می دهد و نظریات مختلف در سایه عرف قرار می می گیرد.

### مفهوم شبکه های اجتماعی

یکی از انواع تغییر یافته بنیاد و ساختار معنایی در فضای اینترنت که ذیل وب ۲ معرفی می گردد به آن، شبکه های اجتماعی مجازی می گویند. پس از پیدایش مهم ترین و تاثیرگذارترین تکنولوژی فناوری در عرصه فناوری قرن بیست و یکم، یعنی وب، در کنار آن انبوهی از مجموعه های غامض پیچیده از انواع منابع اطلاعاتی تولید می کنند گسترانیده شده که از ناحیه اشخاص گوناگون تولید گردیده و از سوی کاربران مختلف که مورد کاوش و کندوکاو و توجه کاربران مختلف قرار می گیرد. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۵۷).

شبکه های اجتماعی در قالب نرم افزارهای تلفن همراه طراحی می شوند و کاربران با عضویت در این شبکه ها در راستای اهداف تعیین شده و سیاست های آن برنامه، جمع گردیده و به اصطلاح اجتماع برخط و آنلاینی را شکل و سازماندهی نمایند. تعداد شبکه های اجتماعی فعال، بیش از ۵۰ برنامه اعلام شده که هر یک قابلیت های خاص خود را داراست. گاهی به انگیزه های شغلی و حرفه ای راه اندازی شده و گاهی نیز حول علایق مشترک مانند سینما، ورزش و موسیقی طراحی می شوند و یا برای اهداف مختلفی چون دوست یابی، زبان و قومیت و ملیت های مشترک، دین مشترک یا ایجاد حس تعاون و انتقال تجربه های ملل در میان آحاد مردم دنیا می باشد.

در سال های اخیر، این برنامه ها جایگاه قابل توجهی در اینترنت و فضای سایبری پیدا کرده اند و به رده پربیننده ترین های فضای مجازی راه یافته اند. آمارهای مربوط به رفتار کاربران اینترنتی نشان می دهد گرایش به شبکه های اجتماعی در سراسر دنیا همچنان رو به رشد است و این سایت ها در دنیای آینده اینترنت، نقش بیشتری خواهند داشت. شبکه های اجتماعی یکی از انواع

رسانه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. رسانه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر در زندگی آنلاین و آفلاین کاربران اینترنتی آنچنان تاثیرگذار بوده‌اند که شکل‌های ارتباطات اجتماعی نیز از این رسانه‌های جدید تاثیر پذیرفته‌اند.

شاید بهترین تعریفی که می‌توان از فضای سایبر کرد این است: «محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، در آن زنده و مستقیم روی می‌دهد». با قید «واقعی» مانع از این است که تصور شود فضای مجازی غیرواقعی نیست. چرا که در این فضا نیز همان ویژگی‌های تعاملات انسانی در دنیای خارج، همچون مسئولیت و دینداری وجود دارد. ضمن اینکه، فضای سایبری در واقع یک محیطی است که ارتباطات در آن انجام می‌شود؛ نه صرف مجموعه‌ای از ارتباطات، از سوی دیگر، علی‌رغم این که این ارتباطات ممکن است در میان همه افراد و مکان‌ها نباشد ولی زنده و واقعی و مستقیم است. این موضوع واقعی بودن را که در فضای امروز سایبری، «آنلاین (online) می‌نامند (طارمی، ۱۳۸۹: ۳۲)

در چنین فضایی است که می‌توان باعث شدت و ضعف کرامات انسانی شود و حالتی از اندیشه که توسط افراد از طریق برقراری ارتباط به وسیله بازنمایی‌های دیجیتالی، زبانی و تجربه حسی، به اشتراک می‌شود را تجربه کنند. افرادی که از نظر زمان و مکان جدا از یکدیگرند ولی به وسیله شبکه‌هایی از ابزار فیزیکی، به یکدیگر متصل‌اند. در این فضا اگر اخلاق اسلامی و اخلاق وجدانی در نظر گرفته نشود به مراتب بیشتر از فضای واقعی تهدید آمیز خواهد شد.

باید توجه داشت که مفهوم شبکه بر این واقعیت تأکید دارد که افراد به دلایل و علایق گوناگون به یکدیگر پیوند خواهند خورد و با تمهیدات شرکت‌های مادر و میزبانان در شبکه‌های اجتماعی برای حضور این افراد پیوند خواهد خورد و محلی برای تبلور مجموعه پیوند ها و گره‌ها خواهد بود.

جایگاه شبکه‌های اجتماعی همانند یک بخشی از زندگی است که مردم از طریق آن در میان راه و یا در جمع دوستان با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و باب آشنایی را بستر سازی می‌گشایند و یا از دیدگاه اخلاق اسلامی، فریضه صلح رحم را تقویت می‌کنند. در این شبکه‌های اجتماعی نیز می‌توانند مردم و کاربران و مصرف‌کنندگان از این فضا، در مورد مسائل مختلف با هم صحبت کنند و حتی اطلاعات عمومی یا خصوصی خود را در شکل‌های گوناگون، از جمله عکس، ویدئو، واژه‌ها، دست‌نوشته و... با فرد خاص یا گروه خاصی به نمایش و اشتراک بگذارند. بنابراین، علاوه بر ایجاد فضای آشنایی و متبلور شدن پیوندها، یکی دیگر از کارکردهای این چنین فضایی، بستر سازی برای ارائه آموزش علمی و همچنین محلی درآمدزا برای بنگاه‌های اقتصادی و حتی جایگاهی برای تبلیغ محصولات خواهد بود.

بسیاری فکر می‌کنند مجازی یعنی آنچه که در ذهن است و در عالم واقع وجود ندارد این نوع تعریف از فضای مجازی یعنی رفع مسئولیت های دینی و مدنی و همچنین ترویج اباحه گری و تضعیف اخلاق فردی است. در این فضا، علاوه بر ارتباطات فردی، تعاملاتی مانند تجارت و تبادلات فرهنگی صورت می‌گیرد که هر یک از این موارد در فرهنگ اسلامی قواعد خویش خود را دارد. فضای سایبری یک فضای بی انتهاست که در ذهن انسان ها ساخته می‌شود و با استفاده از ابزار نوین فناوری به اشتراک گذاشته می‌شود و بهره های فردی و گروهی اتخاذ می‌گردد و افراد و گروه ها از آن بهره برداری می‌کنند.

### مبادی مسئولیت مدنی در شبکه های اجتماعی

شبکه های اجتماعی به عنوان یک واسطه برای ارائه خدمات هستند که دو گروه عمده در این فضا مشغول به بهره برداری می‌باشند: دسته نخست، تولیدکنندگان و ارائه دهندگان محتوا و دسته دیگر کاربران و مصرف کنندگان این محتوا می‌باشند. این واسطه یا اعمال زیان بار می‌تواند شامل هر دو گروه شود؛ یا آن که مباشر زیان بوده و یا نحوه ارائه چنین خدماتی سبب ورود زیان و ضرر به نفر سوم خواهد شود.

در ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیک، مصوب ۱۳۸۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم مؤسسات خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی، خسارتی به اشخاص وارد شود، مؤسسات مزبور، مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند مگر اینکه خسارت وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارت برعهده این اشخاص خواهد بود». از ظاهر این ماده و قسمت اول چنین استنباط می‌گردد که عنصر ضروری برای مسئولیت تشخیص مسئول بودن واسطه های اینترنتی که خودش از نوع واسطه الکترونیک هستند، «تقصیر» است. که البته «تقصیر» بسته به نوع فعالیت واسطه متفاوت خواهد بود. اگر یک شرکتی که ارائه دهنده یک برنامه از شبکه های اجتماعی است دچار نقص و ضعف سیستم امنیتی باشد و منجر به نشت اطلاعات محرمانه کاربران و ارائه دهندگان محتوا گردد، نسبت به این نقص و اثبات تقصیر مسئولیت داشته و می‌بایست این ضرر را جبران کند. غالباً نقش حائلی به نام شبکه های اجتماعی، رسالتی در ارائه اطلاعات و محتوا ندارند بلکه ماهیت این گروه، روش اشتراک گذاری اطلاعات متنی، و تصویری و صوتی برای دیگران فراهم ساخته است و نقش این واسطه ها بیشتر از لحاظ فنی و ایجاد بستر های فنی لازم برای حضور افراد، چه به عنوان تولیدکننده محتوا و چه به عنوان مصرف کننده محتوا، می‌باشد. بنابر دیدگاه قوانین حقوقی در آمریکا و انگلیس باید به نقش چنین واسطه هایی به عنوان حمل کننده و صرفاً انتقال دهنده اطلاعات نگریست.

مقصود از تولید کنندگان محتوا در شبکه های اجتماعی می توان به دسته ای از افراد اشاره کرد که اقدام به تولید محتوا و ذخیره آن در شبکه های اجتماعی کرده و با اسناد تصویری و فیلم و متن، محتوایی را در بستر آن شبکه بارگزاری کنند. معمولا هر تولید کننده محتوایی در شبکه های اجتماعی خودش به عنوان کاربر شناخته می شود. اما مقصود از کاربران گروهی از افراد است که حداقل سن آنها به دو سال رسیده و طی مدت یک ماه گذشته حتی برای یک بار نیز به چنین شبکه هایی رجوع کرده و حساب کاربری در آن شبکه به ثبت رسانده باشد. از دیدگاه تخصصی و فنی، کاربران به سه گروه تقسیم می شوند: نخست آن کاربران ابتدایی و گروه دوم، کاربران تخصصی و گروه سوم نیز به کاربران نهایی اطلاق می گردد. (نیوتون، ۱۳۸۸: ۹۴۴)

از مبانی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران، درباره مسئولیت مدنی، می توان به با اهمیت ترین مبنای، یعنی «تقصیر» اشاره کرد که نقشی اساسی در تحقق مسئولیت مدنی بر عهده دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۳۳۴). البته باید پذیرفت که نباید رکن لازم و اساسی برای تحقق مسئولیت مدنی را به مبنای «تقصیر» محدود کرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۹۴). حتی با کاوش در مسائل فقهی می توان دریافت که به جز موارد استثنا شده برای مسئله ضمان قهری، بر مبنای «تقصیر» قابل اثبات و ثبوت نبوده و نمی توان به صورت انحصاری این مبنای واحد را در تحقق مسئولیت مدنی اثبات کرد. آنچه که موجب ضمان قهری معرفی می گردد در ماده ۳۰۷ قانون مدنی اشاره گردیده که به جز مورد غصب که به عقیده متخصصین حقوقی، از لحاظ مبادی و پیرامونی احکام با مسئولیت مدنی متمایز است. اما دیگر موارد آن قانون مذکور همانند اتلاف و تسبیب و استیفاء در اینکه قابل تطبیق با شبکه های اجتماعی هست یا خیر را می بایست مذاقه و تشریح نمود. همان طور که در ماده ۳۰۷ قانون مدنی اشاره شده، مگر در مورد «غصب» که به عقیده متخصصین حقوقی از لحاظ مبادی و احکام با مسئولیت مدنی متمایز است، در مورد این که آیا شبکه های اجتماعی می-توانند موجب ایجاد «ضمان قهری»، «اتلاف»، «تسبیب» و «استیفاء» شوند یا خیر باید بررسی های دقیق تری انجام گیرد.

#### تطبیق «اتلاف» با شبکه های اجتماعی

بنابر دستور آیه ۱۹۴ سوره بقره، می توان از فردی که بر شخصی دیگر تعدی و تجاوز یا ستم و دست درازی بر اموال کرده، تقاص گرفت و جبران نمود. در واقع این دستور قرآنی به فردی که مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته اجازه می دهد که حقی که از او ضایع شده را مطالبه کند، و این مطالبه بر مبنای مقابله به مثل می باشد. از دیدگاه روایی، احترام به مال مسلمان مانند احترام به خون مسلمان بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۷/۲۹) و بر اساس قاعده مشهور میان فقها، هر آن کس که مال فردی دیگر را تلف کند، ضامن خواهد بود. (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۵۷/۳۶). بنابراین با چنین پشتوانه هایی، قاعده «اتلاف» پدید آمده و به دو دسته «حقیقی» و «حکمی» تقسیم می-

شود. در «اتلاف حقیقی»، فرد، به مال شخص دیگری به طور کامل و کلی آسیب رسانده و آن را از بین می‌برد. اما در «اتلاف حکمی»، اصل مال از بین نمی‌رود اما مالیت آن ویران گشته و از بین می‌رود. تفاوت «اتلاف» و «ضمان ید» این است که در «اتلاف» محور مسئولیت در از بین بردن مال دیگری بوده و این نگاه تلازم با تصرف در مال نداشته و لزوماً تصرف در مال غیر اتفاق نمی‌افتد؛ ولی در «ضمان ید»، مسئولیت به از بین بردن مال و اتلاف وابسته نیست بلکه صرف وضع ید و تصرف و استیلا بر مال غیر، موجب ضمان می‌می‌گردد. (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۱۲/۱-۱۱۳).

بنابراین یکی از قواعد فقهی که در مقام ضمان به آن استناد گردیده قاعده اتلاف است. شماری از فقها در خصوص آن که اتلاف موجب ضمان است، نیازی به احتجاج دلیل ندیده و بنابر ضرورت و در معیت اجماع و کثرت نصوص، که مال را همانند خون مسلمان محترم می‌شمرده و ادله نفی ضرر برای ضمان کافی قلمداد می‌گردید. (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۳۴/۲). همچنین باید این قاعده را از ضروریات فقه و مورد اتفاق جمیع فقها در تمامی فرقه‌ها باید دانست. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۴۵).

برخی با توجه به مضمون روایاتی که به مسئله اتلاف اشاره دارند بر این عقیده اند که این مضامین کاملاً با روایات منصوص مطابقت دارد (حلی، ۱۴۱۹: ۳۸۴/۱). و شماری دیگر از فقها نیز وجود چنین عباراتی در روایات را منکر شده و اذعان دارند چنین تعبیراتی از نص روایات حاصل نمی‌گردد (خویی، ۱۴۱۷: ۱۹۷/۱) و شماری نیز معتقدند چنین گزاره‌هایی در روایات موجود نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۵۷/۳۶) و اما عده‌ای دیگر علاوه بر انکار این قاعده بر اساس مستند روایی، به عام بودن این قاعده اشاره کرده‌اند. (خمینی، ۱۴۱۵: ۴۱۴/۲).

در فحوا و مضمون ماده ۳۲۸ قانون مدنی بدین به این قاعده اشاره شده است، در این ماده اذعان شده هرکس مال غیر را تلف کند ضامن است؛ و می‌بایست مثل یا قیمت آن را داده؛ اعم از اینکه به عمد تلف کرده باشد یا عمدی در کار نباشد، و همچنین اعم از اینکه عین مال یا منفعت را تلف کند و اگر آن را ناقص و یا معیوب کند، باید مثل یا قیمت آن را بپردازد و ضامن نقص قیمت آن مال است. برای تعاریف مال مفاهیم وسیعی متصور است که می‌تواند شامل اعیان و منافع و حقوق و حتی عدم النفع مسلم باشد. حال این تلف یا به صورت مستقیم یا به صورت مباشرتی است و سوالی که به وجود می‌آید این است که آیا در شبکه‌های اجتماعی ممکن است چنین اتلافی رقم بخورد یا خیر؟ به طور مثال یک هکر به صفحه‌ای شخصی در شبکه اجتماعی نفوذ می‌کند و به آن صفحه آسیب رسانده یا آن را پاک می‌کند؛ حال این صدمه و آسیب از باب اتلاف محسوب می‌شود یا رکن دیگر مسئولیت مدنی یعنی تسبیب می‌باشد؟

دلیل کاوش در این موضوع این است که اتلاف و تسبیب، دو مبادی مستقل در ایجاد مسئولیت مدنی مستقل از هم عمل می‌کنند و بایستگی‌ها و شرایط هر کدام با دیگری متفاوت است. چراکه

در قاعده اتلاف دو عنصر قصد و عمد (تقصیر) رکن تحقق مسئولیت نیست ولی در تسبیب بدون وجود این عنصر، به خصوص تقصیر، نمی توان انتظاری برای تحقق یافتن مسئولیت داشت. و تسبیب اتفاق نمی افتد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۱۷). بنابراین چنانچه در شبکه های اجتماعی و فضای آن مسئله زیانباری رخ دهد می توان آن را بر اساس قاعده تلف، مصداق اتلاف آن دانست که می تواند شامل کپی رایت و نقض علائم تجاری و سرقت ادبی و هنری و علمی را شامل شود.

دلیل اینکه قاعده اتلاف را به «اتلاف عینی» محدود کرده اند این است که در تاریخ گذشته، بسیاری از اموال دارای ارزش حقیقی بوده و اموال به ندرت ارزش اعتباری به ندرت داشته اند اما در قرون اخیر، افزایش ارزش های اعتباری رشد دو چندان داشته و حال می توان صفحات شبکه های اجتماعی را نیز جز اموالی که ارزش اعتباری دارند محسوب کرد.

علاوه بر آیات و روایات و حتی ادعای اجماع، یکی از مستندات این قاعده، بنای عقلا بوده است و هر چیزی که با ارزش و دارای مالیت باشد و شخصی به آن آسیب برساند در منظر عقل، آن شخص ضامن بوده و می بایست مثل یا قیمت آن را پرداخت کند. لذا با استناد به بنای عقلا این زمینه پدید می آید که در معنا و مصادیق آن توسعه داده و پذیرش در دیگر موارد را فراهم می کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۰۲/۲-۲۰۳). ۲-۳ تطبیق تسبیب با شبکه های اجتماعی اگر فردی غیر مستقیم مالی را به طور غیرمستقیم تلف کند و برای این آسیب غیرمستقیم زمینه سازی کرده و تمهیدات برنامه ریزی شده ای را پیش بگیرد، می گویند اتلاف به تسبیب کرده بدین عمل اتلاف به تسبیب می گویند و به دلیل این آسیب رسانیدن می بایست ضامن گردد و جبران خسارت کند. (طاهری، ۱۴۱۸: ۲۴۷/۲). البته بسیاری از فقها معتقدند، قاعده تسبیب از فروعات و زیرمجموعه های قاعده اتلاف محسوب می گردد و به دو دسته «بالمباشره» و «بالتسبیب» منشعب تقسیم می شود. (خمینی، بی تا: ۱۹۰/۲) اما در اصل می بایست برای تسبیب قائل به قاعده ای مستقل شد و نباید آن را از فروعات قاعده اتلاف قلمداد کرد، چرا که بنابر روایتی از امام صادق (علیه السلام)، که هر کسی آبریز و چاله ای در راه مسلمان ایجاد کند یا میخی به افسار مرکبش بکوبد و کسی به جهت این مسائل مذکور گرفتار و اصابت شود و به زمین بیافتد، کسی که این کار را کرده، ضامن خواهد بود. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۰/۷). بنابر چنین روایاتی قابل تشخیص است که علاوه بر جدا بودن این قاعده از قاعده های دیگر، به خصوص قاعده اتلاف؛ شخصی متضمن مسئولیت شخصی خواهد بود که به طور غیر مستقیم مباشر تلف کردن مال نبوده، بلکه مقدمات تلف کردن را فراهم ساخته و به طور غیر مستقیم باعث ضرر و آسیب و بروز خسارت و تلف مال و جان یا عضوی از بدن دیگری شده است. لذا فقها بر اساس چنین روایاتی که نمونه ای از آن ذکر شد، حکم به ضمان می دهند. (نراقی، ۱۴۱۷: ۴۴). البته برخی وجه مشترک میان قواعد اتلاف و تسبیب را در این بیان می دانند که در هیچ یک از این قواعد، عمد و قصد ضرر

رساندن لازم نیست؛ بلکه به همان مقداری که صرف وارد آمدن تلف و آسیب به دیگری شود را کافی دانسته اند. اما در اتلاف می‌بایست انتساب خسارت به فعل مسبب بدون تردید محرز گردد. در ماده ۳۳۱ قانون مدنی اذعان می‌دارد که هر کسی سبب تلف شدن مالی گردد می‌بایست مانند و قیمت آن را جبران کند و اگر نقص و عیب ایجاد شود می‌بایست نقص و عیب آن را جبران کند. حال در شبکه های اجتماعی آیا به صورت سبب و با ملاک تسبیب، امکان دارد افرادی که مالی را تلف می‌کنند تشخیص داد؟ امروزه برای مصداق یابی ملاک سببیت در هر صنف و حرفه ای به عرف رجوع می‌کنند که منظور از این عرف مسلماً شامل متخصصین و اساتید فنی آن حرفه می‌باشد. امروزه برخی افراد با ایجاد صفحات کلاهبرداری به نام فالگیری و رمالی و یا صفحات قمار و شرط بندی، به دنبال فریب کاربران بوده و جهت تحصیل مال نامشروع اقدام به تأسیس چنین صفحاتی می‌کنند و حال صفحات پربازدید دیگری، بدون نیت و قصد خاصی، این نوع صفحات مذکور کلاهبرداری را تبلیغ می‌کنند و برای آنان مشتری جذب می‌کنند. شاید بتوان گفت چنین فرآیندی که باعث تلف و ضرر برای دیگر کاربران بشود و آنان را به این نوع صفحات کلاهبرداری سوق دهد، تسبیب گفتمی شود. و مصداق قاعده بر آن مترتب گردد.

#### تطبیق استیفا با شبکه های اجتماعی

بنابر آیه ۲۹ سوره نساء، خدای متعال مسلمانان را در خوردن اموال مردم از راه باطل نهی نموده و برای کسب و توزیع ثروت و انتقال آن از مسیر مشروع و بر مبنای تراضی پایه ریزی کرده است. استیفا به معنای فرا گرفتن مال و گرفتن حق کسی به صورت طور کامل و گرفتن مال اوست. (عبدالمنعم، ۱۴۱۹: ۱۶۹/۱). آن فردی که اقدام به استیفا کند و از مال یا عمل دیگری بدون وجود قرارداد معین بهره بگیرد، می‌بایست اجرت عمل دیگری یا اجرت المثل مال را کسب کرده مورد منفعت را به آن شخص بپردازد.

حقوقدانان در مورد این که استیفا نوعی عقد یا شبه عقد یا ماهیت آن، عقد همراه با ضمان قهری است، اختلاف نظر دارند. شماری از متخصصین بر مبنای تراضی بهره برداران و صاحب مال یا عامل استیفا را عقد دانسته و ماده های ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی را مستند به این نظریه دانسته اند؛ یعنی اگر فردی با اجازه و رضایت فرد دیگر، از اموال و کارکرد او بهره ببرد، پس میان طرفین برای ایجاد دین توافق حاصل شده و تعهد نیز منتج و معلول و مشروط به همین تفاهم است. اما برخی دیگر استیفا را شبه عقد دانسته و به دلیل همان تراضی، منبع تعهد به عقد را مشابهت می‌دانند. (نائینی، ۱۳۷۳: ۷۲/۱). اما گروهی دیگر از متخصصان در ماهیت استیفا، قائل به وسعت دامنه این قاعده هستند و آن را اعم از وقایع حقوقی می‌دانند و معتقدند که این تراضی برای استفاده از مال و اعمال، برای طرفین قصد ایجاد کرده و منتج به پیمان گردیده و می‌بایست آن را عقد استیفا نامگذاری کرد. استیفا گاهی به صورت مشروع بوده و گاهی نیز نامشروع شکل می‌گیرد.

گیرد. بایستگی مشروع بودن آن را می‌توان به تراضی و با اجازه صاحب حق یا فاعل کار دانست و هرگاه اذن مالک و یا رضایت عامل برای بهره جستن از مال یا عمل وجود نداشته باشد و یا آنکه قانون اجازه بهره برداری از آن را ندهد و شخص از آن استفاده کند به آن «استیفای نامشروع» می‌گویند. (طاهری، ۱۴۱۸: ۳۲۵/۲). بحث استیفای نامشروع در شبکه های اجتماعی از جنبه های ارتباطی است که مالی و استیفا شدنی باشد؛ در واقع آن بخشی از داده های فردی موضوع استیفا قرار می‌گیرند که مورد رغبت عقلا باشد. اگر شبکه های اجتماعی غیر از جنبه های مالی باشد از بحث استیفا خارج شده و باید جنبه معنوی این حقوق در دیگر ابواب فقهی و حقوقی می‌بایست بررسی شود.

ممکن است که موضوع استیفا در شبکه های اجتماعی به دو گونه سلبی و ایجابی محقق گردد؛ استیفای ایجابی یا مثبت در فرضی است که شخص، دارایی خویش را به گونه ای افزایش دهد که نوعی خرید و فروش رقم بخورد. به طور مثال، از فضا و داده های شبکه های اجتماعی که در اختیار دارد برای بسته های تجاری و تبلیغاتی بهره برداری کند و به خریداران آن بفروشد. اما این استیفا ممکن است به صورت سلبی هم رقم بخورد؛ یعنی جنبه منفی دارایی افراد کاسته شده و خود دارنده فضای اختیاری در شبکه های اجتماعی و یا کاربران آن را متضرر کند؛ آنچه که قابل ذکر است اینجاست که تفاوتی نمی‌کند استیفا کننده شخص حقیقی باشد یا آنکه شخصیت حقوقی را در بر بگیرد. اسباب مشروع برای استیفا در شبکه های اجتماعی می‌تواند از سه طریق قرارداد، اذن و حکم قانون صورت پذیرد. گاهی با یک قرارداد برای بهره برداری از فضای داده های شبکه های اجتماعی مانند تبلیغات، و انتشار تصاویر و متن ها کارایی داشته و امروزه سعی می‌شود برای بهره برداری از داده های های تراکنشی و ترافیکی از مزیت های های مالی دوطرفه استفاده نمایند .

گاهی استیفا به صورت ایقاعی رقم می‌خورد، یعنی که در این مورد شخص با اجازه قبلی و با موضوع داده و استفاده بخشی از امکانات شبکه های اجتماعی، اجازه تحصیل و پردازش و بهره برداری را اعطا می‌کند. گاهی نیز با حکم قانونی اجازه تملک و یا استیلا بر داده های شبکه های اجتماعی داده می‌شود و اجازه استیفا از مالی که توسط شبکه های اجتماعی محقق می‌گردد به لحاظ قانونی اعطا می‌شود. البته این تملک مال به حکم قانون، ممکن است مستقیم و یا غیر مستقیم تحقق یابد. تملک مستقیم که همان تملک قهری نیز نامیده می‌شود در مسئله ارثیه مطرح می‌شود. اما تملک غیر مستقیم و ناشی از قانون زمانی محقق خواهد شد که خارج از قلمرو نفوذ اراده ها و بدون اینکه مستقیماً استیفای یک شخص از مال دیگری را مجوز دهد، منحصرأً زمینه و تمهیدات آن را فراهم می‌سازد. اما اگر شخصی بدون اجازه بر داده های شبکه های اجتماعی و حدود و حریم خصوصی دیگری در آن فضا احاطه یابد و از منافع آن در قالب تهیه



بسته های تجاری و تبلیغاتی بهره مند گردد در این صورت مرتکب استیفای نامشروع از شبکه های اجتماعی شده است. گاه استیلای شخص بر یک صفحه و یا داده های شبکه های اجتماعی در ابتدا با مشروعیت صورت پذیرفته اما در ادامه نحوه تصرف شرعی و قانونی او، تغییر وضعیت داده و تصرف مشروعیت خود را از دست می دهد .

گاهی نیز استیفای نامشروع بدون وضع ید بر شبکه های اجتماعی محقق می شود و شخص بدون آن که بر داده های شبکه اجتماعی دیگری استیلا یابد، از منافع آن بهره مند می می شود و بر دارایی و تحصیل نامشروع خودش می می افزاید. (جاور، ۱۳۹۵: ۷۲۵)

### نتیجه گیری

پارادایم نوین فناوری، بیش از پیش، پیوستگی بین توسعه فناوری های نوین و شکل زندگی اجتماعی و کنشگری در عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی را مورد توجه قرار داده است. پدیده شبکه اجتماعی، به عنوان مولود فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، عرصه های کنشگری را دگرگون ساخته است. اهمیت و ابعاد این دگرگونی، هنگامی آشکارتر می شود که از یک سو تأثیرهای عینی این شبکه ها در تعامل های اجتماعی و پیامدهای حقوقی-اجتماعی آن ها مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر، به نقش کنشگران و ویژگی های سازوکارهای ارتباطی توجه شود.

توجه به منزلت انسانی و ارزش های مبتنی بر انواع آزادی ها لزوم توجه به حریم خصوصی افراد را ایجاب می کند. این موضوع اخیرا به یکی از مهم ترین مباحث در جامعه اطلاعاتی، مجازی و حقوق مربوط به آن تبدیل شده است.

لازم به ذکر است که حریم خصوصی و توجه به آن مربوط به دنیای مدرن امروزی نیست چهارده قرن پیش و در آیات متعددی از قرآن کریم بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. البته اصطلاح حریم خصوصی به طور مستقیم در آیات قرآن و روایات اسلامی استفاده نشده است و در قالب اشاره به آزادی های دیگر نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت، حق غیرقابل تعرض بودن و حقوق وابسته به شخصیت در منابع اسلامی بیان شده که می توان از این حقوق توجه به حریم خصوصی و حمایت دین اسلام در این حوزه را استنتاج کرد. می بایست برای تبدیل تئوری مسئولیت های مدنی به قوانین مدون در شبکه های اجتماعی، مقررهای قوانین لازم در این امر مهم نگاشته شود و متناسب با اقتضات زمان حال، قوانین مناسبی برای آن وضع شود. همچنین با توجه به انگاره های شبکه های اجتماعی و انگیزش همه اقشار برای فعالیت در این فضا، لازم است رویه قضایی در این خصوص پویاتر عمل کرده و به قوانین و آیین نامه های پراکنده موجود اکتفا نکند و در کنار اجرای قواعد کلی، مطابق با

مقتضیات خاص در این نوع شبکه ها، به اصول کلی حاکم بر آن مانند آزادی اطلاعات و آزادی بیان توجه ویژه ای داشته باشد .

برای بهتر شدن رویه قضایی و میزان خطای کمتر لازم است که چنین شبکه هایی بومی سازی شوند تا با سرورهای داخلی و دسترسی بیشتر بتوان حقیقت را کشف نمود اطلاعات دقیق تری کسب کرد. بنابراین یک سویه نگاه کردن به موضوع مسئولیت های مدنی در شبکه های اجتماعی نباید یکسره معطوف به مسائل مادی باشد بلکه برای جبران خسارت های معنوی نیز در رویه های قضایی، اندیشه ای باید کرد .

اصل جبران کلیه خسارت در فقه امامیه مورد اتفاق فقها بوده، اگرچه نمی توان اصل لزوم جبران کلیه خسارات را حکم قطعی شرع دانست. در خصوص شبکه های اجتماعی با توجه به قاعده اتلاف، چنانچه به صفحه و یا داده های شبکه های اجتماعی مجازی صدمه ای زده شود، فاعل کار نسبت به آن ضامن است.

با نظرات در خصوص تطبیق استیفا در شبکه های اجتماعی، به این نتیجه می رسیم که اگر استیفا بدون سبب مشروع یا سببی که در عرف آن را مبطل بدانند صورت گرفته باشد، علاوه بر ممنوع بودن، مقتضی است که به جهت این استیفای نامشروع، ضمان آور نیز باشد. همچنین اگر فردی و یا افرادی به روش غیر مستقیم و یا تسبیب موجبات آسیب و خسارت بر افراد دیگر را پدید آورند، نسبت به آن نیز ضامن خواهند بود و این روش می می تواند با ایجاد صفحات کلاهبرداری و تحصیل مال نامشروع مانند سایت های شرط بندی و رمالی رقم بخورد.

## منابع

- ابن اثیر(بی تا)، مبارک بن محمد(جزری)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول.
- انصاری(۱۴۱۵)، مرتضی بن محمد امین(دزفولی)، کتاب مکاسب المحرمة، قم، نشر کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
- باریکلو(۱۳۹۲)، علیرضا، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- بهبهانی(۱۴۱۷)، محمد باقر بن محمد اکمل، حاشیة مجمع الفائدة و البرهان، قم، نشر مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، چاپ اول.
- بهرامی احمدی(۱۳۸۸)، حمید، حقوق مدنی ۴ مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- جاور(۱۳۹۵)، حسین، حیدری، علیمراد، بررسی فقهی و حقوقی استیفا در دامنه داده های ارتباطی، مجله پژوهش های فقهی، زمستان ۱۳۹۵، دوره دوازدهم، شماره ۴.
- جعفری لنگرودی(۱۳۷۸)، محمد جعفر، میسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، چاپ اول.
- حائری طباطبائی(۱۴۱۸)، سید علی بن محمد(صاحب ریاض)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالادلة، قم، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- حلی(۱۴۱۹)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی(علامه)، نهایة الإحکام فی معرفة الأحکام، قم، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- خوبی(۱۴۱۷)، سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهة، قم، نشر انصاریان، چاپ اول.
- خمینی(۱۴۱۵)، سید روح الله موسوی(امام)، مکاسب المحرمة، قم، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- خمینی(بی تا)، سید روح الله موسوی(امام)، تحریر الوسیلة، قم، نشر مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
- راغب اصفهانی(۱۴۱۲)، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان-سوریه، دار العلم-الدار الشامیة، چاپ اول.
- روحانی(۱۴۱۳)، محمد، منتقى الأصول، تقریرات حکیم عبدالصاحب، قم، نشر دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی، چاپ اول.
- صفایی(۱۳۹۲)، سید حسین، الزامات خارج از قرارداد، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم
- طاهری(۱۴۱۸)، حبیب الله، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- طارمی(۱۳۸۷)، محمد حسین، فضای سایبر؛ آسیب ها و مخاطرات، مجله ره آورد نو، بهار ۱۳۸۷، شماره ۲۲.

- طریحی (۱۴۱۶)، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- عبدالمنعم (۱۴۱۹)، محمود عبدالرحمن، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، قاهره - مصر، نشر دارالفضیلة، چاپ اول.
- فاضل لنکرانی (۱۳۸۳)، محمد، القواعد الفقهیة، قم، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، چاپ اول.
- فراهیدی (۱۴۰۹)، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوره نه جلدی، چاپ دوم.
- فیومی (بی تا)، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، منشورات دار الرضی، چاپ اول.
- قاسم زاده (۱۳۸۷)، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم.
- قرشی (۱۴۱۲)، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم.
- کاتوزیان (۱۳۹۴)، ناصر، دوره حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: اجرای قرارداد، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم.
- کاتوزیان (۱۳۸۲)، ناصر، الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، مسئولیت مدنی (غصب و استیفا)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کلینی (۱۴۰۷)، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، نشر دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- معین (۱۳۸۱)، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات ادنا: راه نو، دوره دو جلدی، چاپ چهارم.
- محقق داماد (۱۴۰۶)، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران، نشر مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.
- مجلسی (۱۴۰۳)، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- مراغی (۱۴۱۷)، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی، العناوین الفقهیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
- مکارم شیرازی (۱۴۱۱)، ناصر، القواعد الفقهیة، قم، نشر مدرسه امام امیر المؤمنین - علیه السلام، چاپ سوم.
- نائینی (۱۳۷۳)، میرزا محمد حسین غروی، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، مقرر: خوانساری، موسی بن محمد نجفی، تهران، نشر المکتبة المحمدیة، چاپ اول.
- نراقی (۱۴۱۷)، مولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.

- نجفی (۱۴۰۴)، محمد حسن (صاحب جواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- نوروزی (۱۳۸۵)، علیرضا، بررسی میزان حضور ایران در وب، نشریه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۶۸.
- نیوتون (۱۳۸۸)، هری، فرهنگ تشریحی کامپیوتر، ترجمه: محمد حسن مهدوی، تهران، نشر هزاره، چاپ سوم.
- هاشمی شاهرودی (۱۴۲۶)، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، نشر موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، مرکز پژوهش های فارسی الغدیر، چاپ اول.
- یزدانیان (۱۳۷۹)، علیرضا؛ بهشتی، سید مهدی، حقوق مدنی - قلمرو مسئولیت مدنی، تهران، نشر ادبستان، چاپ اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی